

* فیل کوچولو و تولد *

صبح دل انگیزی بود. آفتاب روی چمنها می تابد و سعی می کرد با گرمای خود قطرات باران را خشک کند. فیل کوچولو در اثر تابش نور خورشید از لای پرده اتاق بیدار شد و چشمانش را باز کرد. او کارت دعوت تولد کفشدوزک را روی میز دید. با خود گفت "امروز تولد کفشدوزک است و من هنوز آماده نیستم". با نگرانی مادر را صدا کرد و از او کمک خواست. داخل کمد را نگاه کرد و لباس های رنگارنگش را دید.

۴ پیراهن به رنگهای سفید، آبی، قرمز و سبز

۳ شلوار به رنگهای قهوه ای و بنفش

۲ کلاه با رنگهای نقره ای و طلایی

۳ جوراب به رنگهای خاکستری، نارنجی و زرد

۲ کفش به رنگهای مشکی و صورتی

فیل کوچولو به مادر نگاه کرد و گفت: ماما جان چون باران آمده و پاهایم خیس می شود حتما باید کفش و جوراب بپوشم اما کلاه نمی خواهم.

- به نظر شما او با این تعداد پیراهن و شلوار و جوراب و کفش به چند طریق می تواند لباس بپوشد؟



فرزند با هوشم، متن داستان را با دقت بخوان و به سوالات جواب بده.

مادر گفت: "فیل کوچولوی من، هوا سرد است حتما از کلاه هم استفاده کن".

- به نظر شما حالا به چند حالت می تواند لباس بپوشد؟

یک ساعت گذشت و هوا سردتر شد. مادر ۲ دستکش به رنگهای زرد و طوسی به فیل کوچولو داد و از او خواست خود را کامل بپوشاند.

- به نظر شما حالا فیل کوچولو به چند حالت می تواند برای تولد کفشدوزک آماده شود؟

- اگر تو هم لباس های فیل کوچولو را داشتی و به تولد دعوت بودی چه می پوشیدی؟

"معاونت آموزشی"